

مقاومت در برابر اعمال غیر قانونی مأموران دولت

دکتر محمد جعفر حبیبزاده (دانشیار گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس) و محمد میرزایی فدافی



چکیده:

به موجب ماده (۶۰۷) قانون مجازات اسلامی: «هرگونه حمله یا مقاومتی که نسبت به مأموران دولت، در حین انجام وظیفه آنان، به عمل آید، تَمَرُد محسوب می‌شود...». قانونگذار در ماده (۳۴) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، حالتی از تَمَرُد را در مورد نظامیان پیش‌بینی و برای مرتکب آن، مجازات شدیدتری تعیین کرده است. یکی از شرایط اساسی لازم برای تحقق این جرم، در حال انجام وظیفه بودن مأمور دولت است. مأموران مذکور چنانچه در حدود وظایف محول و صلاحیت و اختیارات خود عمل کنند، اعمالشان قانونی است و حمله به آنها یا مقاومت در برابر آنان در این حالت، تَمَرُد محسوب می‌شود؛ اما اگر خارج از حدود وظایف و صلاحیت و اختیارات خود عمل کنند، اعمالشان غیر قانونی است. در این فرض در مورد مقاومت در برابر آنان اختلاف عقیده بسیار است. برخی معتقدند که مقاومت در برابر این‌گونه اعمال غیر قانونی، به‌طور مطلق جایز است و در مقابل، بعضی عقیده دارند که هیچ‌گونه مقاومتی در مقابل مأموران دولت، حتی اگر عمل آنان خلاف قانون باشد، صحیح نیست. عده‌ای نیز راه میانه را برگزیده، بین موارد مختلف، فرق قائل شده‌اند. قانون و

رویه قضائی ایران، متمایل به نظریه سوم است. در حقوق کیفری ایران، مقاومت در برابر اعمال خارج از حدود وظیفه و غیر قانونی مأموران دولت، نه فقط تَمَرُد به حساب نمی‌آید، بلکه در برخی موارد با جمع شرایط، عنوان دفاع مشروع پیدا کرده است.

واژه‌های کلیدی: دفاع مشروع، اعمال غیر قانونی، مأمور دولت.

مقدمه:

مطالعه تاریخ زندگی بشر و کنجکاوای در زندگی جامعه‌های ابتدایی نشان می‌دهد که در اجتماعات اولیه بشری نیز یک نفر یا گروهی از افراد به عنوان متولیان اداره جامعه به وضع قانون می‌پرداختند. اجرای مقررات و حفظ نظامات به ناچار توأم با تسلط بر مردم و به عبارت دیگر، حکومت بر آنان بوده است.^(۱) اعمال هر نوع حاکمیت ملی، مستلزم داشتن قدرت و توانایی کافی است و یکی از راههای تحکیم این قدرت، مجازات گردنکشان و تنبیه کسانی است که نسبت به امانتداران قدرت حاکمه ملی (مأموران دولت) در حال انجام وظیفه، بی‌ادبی یا هتاکی یا حمله و مقاومت می‌کنند. همان‌طور که مردم و دولت از مأموران توقع دارند که در انجام دادن وظایف خود، جانب امانت و صداقت و شرط علاقه به میهن و ایمان و وظیفه‌شناسی را رعایت کنند، باید به آنان این اطمینان داده شود که به هنگام ایفای وظیفه، بدون دغدغه خاطر و مصون از هرگونه تعرض و تجاوز خواهند بود و متعرضان به آنها در حین انجام وظیفه مجازات خواهند شد. در حقوق ایران برای

رسیدن به این مقصود، در ماده (۶۰۷) قانون مجازات اسلامی و همچنین در ماده (۳۴) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، حمله یا مقاومت نسبت به مأموران دولتی، به عنوان تَمَرُد جرم شناخته شده است. شرط اساسی برای تحقق این جرم، در حال انجام وظیفه بودن مأمور دولت و مقید بودن او به اجرای مأموریت در حدود وظیفه قانونی است. به‌طور کلی در مورد اعمالی که توسط مأموران دولت صورت می‌گیرد، سه فرض متصور است:

فرض اول وقتی است که مأمور دولت در حالت عادی و بدون آن که در حال انجام وظیفه باشد، مرتکب اعمالی شود که جرم است. در این حالت مأمور دولت ماهیتاً دارای خصوصیت و وجه تمایز نسبت به افراد دیگر نیست، بلکه فقط به اعتبار انجام دادن وظیفه برای دولت از سایر اشخاص تمیز داده می‌شود. بنابراین وقتی در حال انجام دادن وظیفه نباشد، صرف مأمور دولت بودن، موجب برتری او نسبت به افراد عادی نمی‌شود و لذا مقاومت در برابر اعمال مجرمانه او مشروع بوده، نیاز به بحث مستقل ندارد. به عبارت دیگر، مأمور دولت وقتی در حال انجام وظیفه نباشد، همانند اشخاص عادی جامعه محسوب می‌شود و مقاومت در برابر اعمال غیر قانونی و نامشروع او، نه فقط جرم تَمَرُد نیست، بلکه با رعایت شرایط عمومی مذکور در قانون، دفاع مشروع به حساب می‌آید. حالت دوم وقتی است که مأمور دولت در حال انجام وظیفه باشد و در حدود وظایف

محول و صلاحیت و اختیارات خود عمل کند. در این حالت، اقدامات او قانونی است و چون در مقام اجرای دستور مقام مافوق است، حمله یا مقاومت در برابر اقدام او مشروع نبوده، ترمرد محسوب می‌شود.

حالت سوم زمانی است که مأمور دولت در حال انجام دادن وظیفه یعنی اجرای امر امر قانونی باشد، ولی خارج از حدود وظایف و صلاحیت و اختیارات خود عمل کند. در این حالت، اعمال او غیرقانونی و قابل تعقیب و مجازات است. اما در بین حقوقدانان در مورد مقاومت در برابر اقدام او، اختلاف عقیده وجود دارد. برخی معتقدند که مقاومت در برابر این گونه اعمال غیرقانونی به طور مطلق جایز است. در مقابل عده‌ای بر این باورند که هیچگونه مقاومتی در مقابل مأمور دولت، حتی اگر عمل او خلاف قانون باشد، صحیح نیست و البته عده‌ای نیز راه میانه را برگزیده، بین موارد مختلف، فرق قائل شده‌اند.

موضوع مورد بحث در این مقاله، توضیح حالت سوم است که مطالب مربوط به آن را در دو قسمت تجزیه و تحلیل می‌کنیم. در قسمت اول، به نظریه‌های مختلفی که درباره مقاومت در برابر اعمال خارج از حدود وظیفه و غیرقانونی مأموران دولت وجود دارد، می‌پردازیم و در قسمت دوم، این موضوع را در حقوق کیفری ایران بررسی خواهیم کرد.

بحث و بررسی:

قبل از ورود به اصل بحث، لازم است به این سؤال که «مأمور دولت کیست و منظور از وظیفه چیست؟» پاسخ دهیم.

۱ - تعریف مأمور دولت: به طور کلی مأمور دولت، شخصی است که انجام دادن مأموریت خاصی از طرف دولت به مفهوم عام کلمه - به عهده‌وی گذاشته شده است؛ خواه در ازای مزد باشد و خواه افتخاری. از مأمور دولت گاهی به مأمور رسمی هم یاد می‌شود. مأمور رسمی شخصی است که در ازای مزد یا بدون مزد در خدمت عمومی دولت یا اشخاص حقوقی حقوق عمومی قرار دارند که این خدمت ممکن است دائم یا موقت باشد. از نظر

حقوق اداری: «مأموران به خدمتهای عمومی کسانی‌اند که با یکی از سازمانهای عمومی برای تحقق یک خدمت عمومی یا برآوردن نیاز عمومی همکاری می‌کنند و تابع قوانین و مقررات عمومی‌اند و در صورت نبودن قانون یا ناروشتی و تاریکی حقوق نوشته، به یاری هنجارها و نظام کلی حقوق عمومی، حقوق و تکالیف آنان روشن می‌شود.» (۲) مسلم است که باید بین شخص مأمور و دولت رابطه استخدامی و مأموریت وجود داشته باشد. رابطه استخدامی مستخدمان یا کارمندان دولت یا رسمی است یا غیررسمی و مستخدمان غیررسمی شامل آزمایشی‌ها، پیمانی‌ها، خرید خدمتی‌ها، روزمزدها و حکمی‌ها می‌شوند. (۳) اما عده‌ای از آنان، بدون اینکه رابطه استخدامی با دولت داشته باشند، از طرف دولت مأمور انجام امور خاص می‌گردند. بنابراین دایره شمول «مأموران دولت» از «کارمندان دولت» یا «مستخدمان دولت»، گسترده‌تر است؛ به طوری که هر کارمند دولت، مأمور دولت محسوب می‌شود. لکن هر مأمور دولت لزوماً کارمند دولت نیست. مأمور دولتی ممکن است کارمند دولت نباشد؛ مثل سربازان وظیفه که به طور موقت در نیروهای مسلح، خدمت زیر پرچم خود را می‌گذرانند و به‌رغم اینکه گاه، از طرف دولت - به مفهوم عام کلمه - مأمور انجام دادن وظایفی می‌شوند، مستخدم یا کارمند دولت نیستند، اما مأمور دولت به حساب می‌آیند. در بحث مقاومت در برابر اعمال خارج از حدود وظیفه مأموران دولتی، در ماده (۶۲) و (۶۲۸) ق.م.ا، فقط ضابطین دادگستری و نیروهای انتظامی مورد حکم قرار گرفته‌اند، لکن در ماده (۶۲۶) ق.م.ا، از عنوان کلی «مأموران دولت» استفاده شده است که ممکن است محل اختلاف نظر باشد. در این موارد اداره حقوقی وزارت دادگستری نظریات مختلفی ارائه داده است. از جمله تا قبل از تصویب قانون حمایت قضائی از بسیج مصوب ۱۰/۱/۷۶، در پاسخ به این سؤال که «آیا از نیروهای بسیج می‌توان به عنوان ضابط

قوه قضائیه استفاده کرد؟» در نظریه شماره ۷/۹۲۹ مورخ ۶۷/۴/۱۱ گفته است: «با توجه به تعاریف مقرر در مواد (۳۵) و (۳۶) اساسنامه سپاه پاسداران و هدف و وظایف سپاه پاسداران در مواد یک الی پنج اساسنامه، استفاده از بسیج به‌عنوان ضابط قوه قضائیه خالی از اشکال نمی‌باشد.» (۴) لکن اداره مذکور در نظریه شماره ۷/۵۵۲۱ - ۶۷/۹/۲۲، تاکید کرده است: «سرباز وظیفه به لحاظ وظایف و تکالیفی که برای وی مقرر می‌گردد و به آن عنوان انجام وظیفه می‌کند، مأمور دولت محسوب می‌گردد و در نتیجه مسؤولیت اجرایی دارد.» (۵) با وجود این در نظریه شماره ۷/۲۴۷۸ مورخ ۷۰/۷/۲۳، سرباز وظیفه مأمور دولتی محسوب نشده است: «با توجه به ماده (۳) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری، سرباز وظیفه از شمول مستخدمان و مأموران دولتی اعم از رسمی و غیررسمی خارج است، لذا حکم انفصال در این ماده شامل سربازان وظیفه نمی‌شود.» (۶) هر دو نظریه در جای خود صحیح است؛ اما به نظر می‌رسد نظریه اخیر از آن نظر که سرباز وظیفه را مأمور دولت ندانسته محل ایراد است و نظر قبلی صحیح‌تر است. در هر حال با توجه به قانون حمایت قضائی از بسیج، اعضای واجد شرایط نیروی مقاومت بسیج نیز که مجازند هنگام برخورد با جرایم مشهود در صورت عدم حضور ضابطین یا عدم اقدام به موقع یا اعلام نیاز آنان همانند ضابطین دادگستری به منظور جلوگیری از امحای آثار جرم و فرار متهم و تهیه و ارسال گزارش به مراجع قضائی اقدامات قانونی لازم را به عمل آورند، مأمور دولتی تلقی می‌شوند و مشمول مقررات مربوط به ترمرد یا دفاع در مقابل آنها می‌گردند.

بر این اساس نویسندگان حقوق اداری معتقدند: «در حقوق جزا به منظور حمایت از کارکنان دولت که در حین انجام وظیفه مورد توهین و یا تجاوز قرار می‌گیرند، مفهوم مأمور یا مستخدم عمومی خیلی گسترده است و

طبقات مختلف مستخدمان و کارکنان دولت را در بر می‌گیرد.» (۷)

لذا منظور ما در این مقاله از مأموریت دولتی تنها مستخدمان دولت به معنای مورد نظر در بند "الف" ماده (۱) قانون استخدام کشوری که ظهور در مستخدمان تحت نظارت قوه مجریه دارد، نیست. بلکه حتی مستخدمان موضوع ماده (۲) قانون مذکور که مشمول مقررات خاص هستند (مستخدمان وزارت امور خارجه، جهاد سازندگی، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، شهرداریها، اعضای هیأت علمی دانشگاهها، قضات و...) نیز مورد نظر است. به علاوه هر چند براساس نظریه ۷/۳۵۳ - ۶۶/۴/۷ اداره حقوقی وزارت دادگستری مأموران وزارت اطلاعات ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند. (۸) لکن به هر حال مأمور دولت به حساب می‌آیند.

۲ - تعریف: وظیفه از نظر لغوی، آنچه اجرای آن شرعاً یا عرفاً بر عهده کسی قرار گرفته، وظیفه نامیده می‌شود. (۹) اما در اصطلاح حقوقی، به تکلیف قانونی و مخصوصاً تکلیف قانونی مأمور دولت، وظیفه و گاهی وظیفه قانونی گفته می‌شود که در مقابل وظیفه اخلاقی و اجتماعی و وطنی و غیره به کار می‌رود. (۱۰) بنابراین منظور از وظیفه مأمور دولت شغل یا مأموریت یا تکلیفی است که به موجب قوانین و مقررات از طرف دولت - به معنای عام کلمه - به عهده مأمور گذاشته می‌شود، اعم از این که این وظیفه یا شغل، مستمر یا موقت بوده یا افتخاری یا در ازای مزد باشد.

۳ - نظریه‌هایی که در مورد مقاومت در برابر اعمال خارج از حدود وظیفه و غیرقانونی مأموران دولت مطرح شده است:

همان طور که در بحث اطاعت مأمور از مقام مافوق در سلسله مراتب اداری نظرهای مختلفی مطرح شده است، در مورد اطاعت از

افراد جامعه از مأموران دولتی هم اختلاف نظر است و تئوریهای مختلفی وجود دارد.

در قوانین اساسی (۱۷۹۱ و ۱۷۹۳) میلادی فرانسه، تحت تأثیر افکار آزادیخواهانه قرن هجدهم، حق مقاومت و دفاع افراد مردم در مقابل اعمال خارج از حدود وظیفه و غیرقانونی مأموران دولت، به صراحت پیش بینی شده بود. در ماده (۱۱)

می‌کنیم. (۱۲)

(۳-۱) - نظریه مقاومت مطلق:

این نظریه متعلق به "آرمان کارل" (Armand Carrel)، حقوقدان فرانسوی است. وی در تاریخ ۲۴ ژانویه ۱۸۳۲، میلادی، در روزنامه "لوناسیونال"، مقاله‌ای نوشت و در آن اظهار نظر کرد که مردم حق دارند در مقابل اقدامات خلاف قانون مأموران دولتی، مقاومت و دفاع کنند. استناد او مخصوصاً به ماده (۱۱) اعلامیه حقوق بشر مصوب (۱۷۹۳) میلادی بود

که به موجب آن هر عملی که خارج از حدود و ترتیبات قانون اجرا شود، مستبدانه و ظالمانه است و کسی که چنین عملی علیه او اجرا می‌شود، حق مقاومت و رفع و رد آن را با قوه قهریه، دارا است. پس از

انتشار این مقاله، وی به اتهام تحریک به مقاومت قوای عمومی و نافرمانی در برابر قانون، در دادگاه جنایی پاریس، تحت محاکمه قرار گرفت، ولی هیأت منصفه دادگاه، رأی بر برائت وی داد. (۱۳)

بر طبق نظریه او، اگر ثابت شود مأموران و مقامات دولتی، حق اجرای عملی را که مرتکب در مقابل آن مقاومت کرده است نداشته‌اند یا این که عملشان از حیث رعایت ترتیبات، با قانون منطبق نبوده، اقدامات مرتکب، ترمرد محسوب نمی‌شود.

"گارو" از طرفداران این نظریه، عقیده دارد که مقاومت در برابر حمله نا مشروع مأموران دولت، به طور مطلق جایز است و در این خصوص می‌گوید: «در حقیقت آنچه جرم ترمرد را به وجود می‌آورد، نافرمانی و بی‌اعتنایی نسبت به قانون است و اعمال قدرت در برابر مأموران دولت، وسیله بروز تظاهر این فرمانی و بی‌اعتنایی است. پس وقتی مأمور دولت قانون را اجرا نمی‌کند و از حدود وظیفه خود خارج می‌شود یا از آن سوء استفاده می‌کند، مرتکب عمل خودسرانه‌ای به ضرر شخص شده است و در نتیجه، وقتی شخص در برابر او

منظور

از وظیفه مأمور دولت شغل یا مأموریت یا

تکلیفی است که به موجب قوانین و مقررات از طرف دولت -

به معنای عام کلمه - به عهده مأمور گذاشته می‌شود، اعم از

این که این وظیفه یا شغل، مستمر یا موقت بوده یا

افتخاری یا در ازای مزد باشد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب (۱۷۹۳) نیز آمده است: «هر عملی که خارج از حدود و ترتیبات قانونی اجرا می‌شود حق مقاومت و دفع و رد آن عمل را با قوه قهریه دارا است.» این ماده مبنای توجیه مقاومت در مقابل اعمال خلاف قانون مأموران دولت در همه کشورها از جمله در لبنان است که در ماده (۲۷۹) قانون مجازات مجوز دفاع را با رعایت برخی شرایط برای کسی که مورد تهاجم غیرقانونی مأمور دولت قرار می‌گیرد صادر کرده است. (۱۱) این اجازه در ماده (۲۱۲) قانون مجازات مصر نیز وجود دارد. (۱۲)

در قانون جزای سال (۱۳۸۰) فرانسه، از نقل ماده فوق خودداری شد و ماده (۲۰۹) آن، هرگونه حمله و مقاومتی که با عنف و تخریب نسبت به مأمورانی که برای اجرای قانون و اوامر و احکام مقامات قانونی اقدام می‌کردند، به عمل می‌آمد، تحت عنوان ترمرد، جرم شناخته شد. سکوت ماده (۲۰۹) قانون جزای (۱۸۱۰) فرانسه، موجب بروز اختلاف نظر بین حقوقدانان آن کشور و ارائه نظریه‌های مختلف گردید که به طور اجمال به آنها اشاره

ایستادگی می‌کند، در واقع در مقابل «نقض قانون» مقاومت کرده، نه در مقابل «اجرای قانون»؛ و چنین مقاومتی نه فقط جرم نیست، بلکه کاملاً مشروع است» (۱۵).

(۳-۲) - نظریه اطاعت مطلق:

نظریه اطاعت مطلق، نقطه مقابل نظریه مقاومت مطلق است. عده‌ای از حقوق‌دانان فرانسوی از جمله «پواتون»، (Gustave le Poittevin) بر خلاف آرمان کارل، معتقدند که مقاومت در مقابل مأمور دولت که در مقام اجرای قانون است ولو این که مأمور مذکور از حدود وظیفه خود خارج شده و رعایت ترتیبات مقرر را نکرده باشد یا حتی مرتکب جرم شده باشد، جایز نیست و موجب تحقق بزه تمرّد می‌شود.

به طور خلاصه، افراد صلاحیت تشخیص غیرقانونی بودن اعمال مأموران را ندارند و به این عنوان نباید قاضی اعمال خود شده، مانع اجرای وظایف مأموران شوند. (۱۶) براساس این نظریه، اقدامات مأموران دولت در هر مورد که مداخله آنان به عنوان و به قصد انجام وظیفه باشد، محمول بر صحت بوده، منطبق با قانون است. البته اثبات خلاف آن بعداً مجاز است و مأمور متخلف تعقیب و مجازات خواهد شد؛ ولی مردم حق مقاومت یا دفاع در مقابل آنان را ندارند و الا انجام وظیفه از طرف مأموران دولتی اگر محال نگردد لااقل مشکل تر خواهد شد. به عبارت دیگر، وظیفه مردم اطاعت مطلق و تمکین از اوامر مأموران دولت است و در صورتی که عمل مأموران موجب خسارت یا متضمن جرمی باشد، می‌توانند بعداً شکایت کنند و مأمور متخلف نیز مسؤول اقدام خلاف قانون خود است. (۱۷) البته در مواردی که غیرقانونی بودن عمل مأموران دولتی به آن درجه از وضوح و بدهت باشد که به آن توان عنوان اجرای وظیفه و قانون داد، حتی طرفداران این نظریه، حق مقاومت و دفاع را برای افراد شناخته‌اند و اقدام مرتکب در دفع عمل غیرقانونی علنی و بین مأموران را جرم تمرّد تلقی نکرده‌اند. ارائه مثالی در مورد تعرض به عرض و ناموس

مردمان، بهتر می‌تواند مؤید صحت این نظر باشد. فرض کنیم مأمور گمرک - برای مثال در کشور فرانسه - به بهانه بازرسی بدنی زنی، خود را به او نزدیک کرده، تماسهای غیرمتعارف و منافی عفت با او ایجاد و حتی واقعاً تجاوز به وی را قصد کند. در این حالت هیچ کس نمی‌تواند به عذر آن که مرتکب، مأمور دولت و در حین انجام وظیفه است، حق مقاومت و دفاع برای زن قائل نباشد و در حقیقت او را به تسلیم در مقابل امیال شهوانی مأمور ناپاک محکوم کند. (۱۸)

(۳-۳) - نظریه مختلط:

نظریه مقاومت مطلق، با حفظ انتظامات و سیاست قضائی و مصالح جامعه سازگار نبود و نظریه اطاعت مطلق، دور از عدالت و منطبق به نظر می‌رسید؛ چرا که مردم به امید شکایت و تعقیب بعدی، مجبور به تمکین در مقابل اعمال مجرمانه مأموران بودند. از طرفی معقول و موجه نبود که دادگاه هم مأمور خاطی را که از حدود وظیفه خود خارج و مرتکب جرم شده بود محکوم به مجازات کند و هم فردی را که در برابر این عمل مجرمانه تمکین نکرده و در رد و دفع آن مقاومت کرده بود، کیفر دهد. (۱۹) بنابراین، نظریه سومی تحت عنوان «نظریه مختلط» مطرح شده است. طرفداران نظریه مختلط که در رأس آنان، «ایزامبر» (Isambert) فرانسوی قرار دارد، معتقدند که مأمور دولت باید در مواقع اقدام، حتماً نوشته‌ای در دست داشته باشد ولو آن که آن نوشته خلاف ترتیب قانونی صادر شده باشد.

برای مثال، اگر پاسبان با ادعای مأموریت برای جلب فرد حکم جلب در دست داشته باشد ولو آن که مقام صادرکننده آن از نظر قانونی، صالح در رسیدگی به اصل اتهام نباشد، شخص جلب شونده - به فرض عالم بودن به این امر - نمی‌تواند این نقص قانونی را مستمسک قرار داده، در برابر اجرای حکم جلب مقاومت یا حمله کند؛ چون پاسبان مکلف به اجرای دستور مقام قضائی بوده، نمی‌تواند قانونی بودن احکام و دستورات مقامات قانونی را

کنترل کند. اما چنانچه همین مأمور بدون در دست داشتن حکم (دستور کتبی) جلب شخص، درصدد دستگیری او برآید، مخاطب حق دارد در برابر این عمل، مقاومت و در حدودی که متناسب باشد، اعمال قوه کند. واضح است که این نظریه ناظر به جرایم مشهود نیست؛ زیرا در آن موارد، پاسبان حق همه گونه اقدام و جلب را حتی بدون نوشته و حکم، دارد. (۲۰)

۴ - مقاومت در برابر اعمال خارج از حدود وظیفه و غیرقانونی مأموران دولت، از لحاظ کیفری ایران:

در حقوق کیفری ایران در ماده (۶۰۷) قانون مجازات اسلامی و ماده (۳۴) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، عنوان مجرمانه‌ای در نظر گرفته شده که در واژگان حقوقی «تمرّد» نامیده شده است. به قرینه کلمه «وظیفه» مندرج در هر دو ماده مذکور، جرم تمرّد ناظر به حالتی است که مأمور در حدود وظیفه قانونی محول اقدام می‌کرده و در آن حال مورد حمله یا مقاومت شخص مرتکب قرار گرفته است.

بنابراین اگر اقدامات مأمور، خارج از صلاحیت و وظیفه قانونی خود خارج شده یا تشریفات مقرر را رعایت نکرده باشد، حمله یا مقاومت نسبت به او در این حالت، جرم تمرّد محسوب نخواهد شد؛ زیرا در این حالت اقدامات مأمور، از نظر قانونی، مصداق انجام وظیفه نیست تا حمله یا مقاومت نسبت به وی در حین انجام دادن آنها، جرم تمرّد محسوب شود. مثل این که ضابط دادگستری در مقام اجرای قرار تأمین از حدود وظیفه خود خارج شده، اقدام به ضرب و جرح متهم کند؛ یا مأمور کشف قاچاق رعایت ترتیبات مقرر در ماده (۱۲) قانون مجازات مرتکبین قاچاق (مصوب ۹ اسفند ۱۳۱۲) را نکند و بدون حضور نماینده دادگستری یا شبانه برای کشف کالای قاچاق وارد منزلی شود.

رویه قضائی و آرای محاکم تالی و دیوان عالی کشور ایران، و دکتترین حقوقی در این موارد متفقاً بر عدم احراز و تحقق جرم تمرّد

نظر داده‌اند شعبه ۵ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۷۶۳ مورخ ۱۳۱۷/۱۲/۱۶، چنین اظهار نظر کرده است: «وقتی که در نظر دادگاه ثابت شد مأمور دولت بزخلاف وظیفه رفتار کرده است، ترمّد یا مقاومت با او در آن موقع با این ماده ماده ۱۶۰ قانون مجازات عمومی قابل تطبیق نیست. بنابراین، پاسبانی که موقع شب و بدون اجازه برای کشف بزه وارد خانه کسی شده است، ترمّد یا مقاومت با او، بزه تلقی نمی‌شود». (۲۱)

همچنین شعبه ۸ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۳۳۵۹ مورخ ۱۳۳۴/۱۲/۲۹، گفته است: «اگر مأموران شهربانی، در ساعت ۱۰ بعد از ظهر (شب) به منزل متهم به دایر کردن شیره کش خانه وارد شده باشند و در پرونده، اشعاری به این که موجبات قانونی برای ورود در شب، بالاخص دستور ماده (۲۴) قانون آیین دادرسی کیفری و ماده (۱) قانون مجازات مرتکبین قاچاق رعایت شده، نداشته باشد، در این صورت که برای ورود در منزل اشکال قانونی وجود داشته، اصولاً تکلیف و وظیفه‌ای برای مأموران نمی‌توان قائل شد تا متهم طبق ماده (۱۶۰) قانون مجازات عمومی قابل مجازات تشخیص گردد». (۲۲)

بنابراین برای آن که اقدامات مأموران دولت محترم بوده، آنها از حمایت ویژه قانون - در مقایسه با سایر افراد - برخوردار شوند، لازم است که ضمن رعایت ترتیبات مقرر، در حدود وظایفی که به موجب قوانین و مقررات از سوی دولت به عهده آنان گذاشته شده، عمل کنند و از حدود صلاحیت و اختیارات خود خارج نشوند؛ چه در غیر این صورت علاوه بر این که به همین دلیل مسؤلیت کیفری و مدنی خواهند داشت، دفاع در مقابل اقدامات آنها مشروع خواهد بود و کسی که مورد تجاوز قرار گرفته است می‌تواند از خود دفاع کند.

به هر حال، توجه به این نکته حایز اهمیت است که صرف اثبات غیرقانونی بودن دستور یا حکمی که از مراجع صالح و با ظاهر قانونی صادر شده و در حدود مقررات، مأموران مکلف به اجرای آن بوده‌اند، جواز مقاومت

نخواهد بود. برای مثال، اگر در مقابل پاسبان یا مأمور اجرای احکام دادگستری که دستور جلب صادر شده از سوی مقام قضائی یا قرار تأمین خواسته دادگاه را اجرا می‌کند، به دستاویز این که مقام صادر کننده، حق جلب نداشته یا قرار دادگاه، خلاف قانون صادر شده است مقاومت شود، این اقدام ترمّد است؛ هر چند ثابت شود که دستور جلب با قرار دادگاه خلاف قانون بوده است، زیرا ضابطان و مأموران اجرا، مکلف به انجام دادن دستور مقام قضائی و قرار دادگاه بوده‌اند و نمی‌توانند قانونی بودن احکام و دستورات مقامات قانونی را کنترل کنند. این معنا از مفاد ماده (۶۰۷) قانون مجازات اسلامی و توجه به کلمه «وظیفه» مندرج در آن و مقررات مواد (۵۶) و (۵۷) قانون مذکور نیز قابل استنباط است.

بنابراین، قانون و رویه قضائی ایران، متمایل به نظریه مختلط است. در حقوق کیفری ایران، مقاومت در برابر اعمال خارج از حدود وظیفه و غیرقانونی مأموران دولت، نه فقط جرم ترمّد نیست، بلکه در برخی موارد با جمع شرایطی می‌تواند عنوان دفاع مشروع به خود بگیرد که در این صورت، شخص مرتکب می‌تواند حتی ضمن مقاومت در برابر مأمور، در حدودی که متناسب با اقدامات تجاوز کارانه مأمور باشد، اعمال قوه کند. این معنا، از مفاد ماده (۵۶)، ۶۱، ۶۲، ۶۰۷، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، و ۶۲۹ قانون مجازات اسلامی، استنباط می‌شود.

ماده (۶۲۶) قانون مجازات اسلامی، درباره مقاومت در برابر مأموران دولت چنین مقرر می‌دارد:

«در مورد هر فعلی که مطابق قانون، جرم بر نفس یا عرض یا مال محسوب می‌شود، ولو اینکه از سوی مأموران دولت صادر گردد، هرگونه مقاومت برای دفاع از نفس یا عرض یا مال جایز خواهد بود». همچنین ماده (۶۲۸) قانون مذکور، در این باره می‌گوید: «مقاومت در مقابل نیروهای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری، در موقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی‌شود؛

ولی هرگاه اشخاص مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و بر حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنها موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا مال گردد، در این صورت دفاع در مقابل آنها نیز جایز است».

ماده (۶۲) قانون مجازات اسلامی نیز، بحث مقاومت در برابر قوای تأمینی و انتظامی را مورد حکم قرار داده که با تصویب ماده (۶۲۸) (تعزیرات ۷۵)، ماده مذکور دیگر کاربردی ندارد؛ چون در ماده (۶۲۸)، به جای عبارت «قوای تأمینی و انتظامی» از عبارت «نیروهای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری» و به جای عبارت «خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا ناموس گردد» از عبارت «خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا ناموس گردد» استفاده شده که در هر دو قسمت از نظر مصداقی نسبت به ماده (۶۲) عام‌تر است. به عبارت دیگر ماده (۶۲۸)، در برگیرنده ماده (۶) است. تنها بحثی که در مورد این دو ماده مطرح می‌شود، کلمه «ناموس» است؛ بدین معنا که در ماده (۶۲)، بعد از کلمه عرض عنوان ناموس هم اضافه شده ولی در ماده (۶۲۸) فقط کلمه عرض آورده شده است. به نظر ما چون عرض اعم از ناموس است، تصریح به آن هم لزومی ندارد و قانونگذار، نظر خاصی در مورد جداسازی این دو واژه نداشته است؛ به طوری که گاهی آن دو واژه را با هم به کار برده و گاه به ذکر واژه عرض اکتفا کرده است. لذا ماده (۶۲۸) از نظر مفهوم و مصداق، همه موارد مندرج در ماده (۶۲) را شامل می‌شود و علاوه بر آنها حکم تعرض به مال را نیز مشخص کرده است که از این نظر در مقایسه با مقررات مصوب قبل و بعد از انقلاب اسلامی جنبه ابتکاری و نوآوری دارد. حتی ماده (۶۲۶) ق. م. ا، به جای اصطلاح نیروهای انتظامی و ضابطان دادگستری، عنوان مأموران دولت را به کار برده و موضوع مال را هم مورد حکم قرار داده است و لذا دفاع در مقابل مأموران دولت با رعایت سایر شرایط می‌تواند مشروع باشد.

(۴-۱) - تجزیه و تحلیل ماده (۶۲۶) قانون مجازات اسلامی:

با وجود ماده (۶۲۵)، می توان گفت تنها مطلب مهمی که ماده (۶۲۶) در بر دارد، اشاره به مأموران دولتی است؛ زیرا به موجب ماده (۶۲۵)، قتل و جرح و ضرب برای دفاع از نفس یا عرض یا مال، مشروع شناخته شده است و تردید نیست که هر عملی که تجاوز به نفس یا عرض یا مال، تلقی شود. جرم بر نفس یا عرض یا مال خواهد بود. از نظر حقوقی نباید عملی وجود داشته باشد که تجاوز به نفس یا عرض یا مال فرد باشد، ولی از نظر قانون جرم شناخته نشود. لذا الزامی به تنظیم ماده به این صورت نبوده و اگر مقصود، اشاره به جواز

مقاومت در برابر مأموران دولتی

بوده، این مطلب مستقلاً هم

قابل بیان بوده است. به

طور کلی مأموران دولت،

ماهیتاً دارای خصوصیت

و وجه تمایز نسبت به

افراد دیگر نیستند، بلکه

صرفاً به اعتبار انجام دادن

وظیفه برای دولت از سایر

اشخاص متمایزند. بنابراین، اگر

مأموران دولت در حال انجام دادن وظیفه

نباشند یا اعمالی که مرتکب می شوند ارتباطی

با وظایف آنان نداشته باشد، صرف مأمور دولت

بودن، وجه امتیازی نسبت به افراد عادی برای

آنان ایجاد نمی کند. لذا بررسی مقاومت در

برابر اعمال آنان در این حالت، نیاز به بحث

مستقلاً ندارد.

به عبارت دیگر، مأموران دولت وقتی

در حال انجام دادن وظیفه نباشند، همانند

اشخاص عادی جامعه محسوب می شوند.

بنابراین، عبارت «ولو اینکه از مأموران دولتی

صادر گردد» مذکور در ماده مورد بحث را باید

ناظر به مواردی دانست که ارتکاب جرم از

طرف مأمور دولتی در حین انجام وظیفه باشد.

به همین سبب، بهتر بود که قانونگذار در متن

ماده به این مطلب اشاره می کرد. با قبول

مقدمه بالا، ارتکاب جرم از طرف مأمور دولت

در حین انجام دادن وظیفه نیز به چند صورت متصور است:

اول اینکه، مأمور برای انجام دادن وظیفه

قانونی خود، در حدود مقررات الزاماً مرتکب

عمل ظاهراً مجرمانه ای شود. در این حالت

چون به موجب بند "۲" ماده (۵۶) قانون

مجازات اسلامی، مجرم محسوب نمی گردد،

اقدام وی خلاف قانون و ناحق نیست و

بنابراین مقاومت در برابر او نه فقط دفاع

مشروع محسوب نمی شود، بلکه به حکم ماده

(۶۰۷) قانون مذکور، مصداق جرم تمرّد

است؛ چون مأمور دولت در این حالت، به رغم

وقتی مأمور دولتی، خارج از حدود و

صلامت و اختیارات خود عمل می کند، اعمالش

غیرقانونی است و لذا مقاومت در برابر او مصداق

جرم تمرّد تلقی نمی شود؛ اما این طور هم نیست

که لزوماً مشروع به مساب آید

ارتکاب عمل ظاهراً مجرمانه، در حال انجام

دادن وظیفه محسوب می شود. برای مثال اگر

مأموری که برگ جلب متهمی را در دست دارد

وقتی می خواهد او را جلب کند، با مقاومت وی

روبه رو شود، چون مأمور باید وظیفه ای را که به

او محول شده به هر ترتیب انجام دهد، هرگز

نخواهد توانست به اتکای عدم تمکین متهم،

از اقدام به جلب و انجام دستور مقام قضایی که

وظیفه شعلی او است، شانه خالی کند و در

نتیجه خواه ناخواه ناگزیر می شود که شدت

عمل به خرج دهد و در صورت لزوم، مرتکب

اعمالی شود که در غیر این حالت واجد عنوان

مجرمانه می گردد. مثلاً متهم را به زور به جلو

براند یا تهدید کند یا حتی به قدر نیاز مضروب

کند که در این حالت با توجه به بند "دوم" ماده

(۵۶) قانون مجازات اسلامی، مجرم محسوب نمی شود. اما به هر حال، در اجرای این بند و انطباق آن در عمل، کمال دقت و نکته سنجی ضروری است. لزوم یا عدم لزوم اقدام به یک عمل ظاهراً مجرمانه برای اجرای قانون اهم امری است که تشخیص آن با قاضی ذی ربط است و به نهایت درجه هوشیاری و شم قضائی احتیاج دارد.

دوم اینکه، ارتکاب جرم از طرف مأمور به واسطه امر آمر قانونی واقع شود و خلاف شرع هم نباشد. در این حالت هم به موجب بند "اول" ماده (۵۶) قانون مجازات اسلامی، مأمور مجرم محسوب نمی گردد و لذا مقاومت در برابر او جنبه قانونی ندارد و تمرّد محسوب می شود؛ مگر آنکه خلاف قانون و

نادرست بودن عمل ارتكابی

(امر آمر) به حدی آشکار و

علنی باشد که تشخیص آن

بر هر ناظری از جمله

شخص مورد حمله،

ممکن بوده و به علاوه

خطر ناشی از آن، غیر قابل

جبران باشد.

سوم اینکه، مأمور در حین انجام

دادن وظیفه، اما در حالتی که قانونی و

ضروری نیست یا مافوق آن را دستور نداده

است، مرتکب جرم شود. در این حالت،

مقاومت در برابر عملی ارتكابی او با رعایت

شرایط دفاع مشروع برای دفاع از نفس یا

عرض یا مال جایز است و جرم تمرّد محسوب

نمی شود.

با توجه به مطالب فوق به نظر می رسد که

عبارت «ولو اینکه از مأموران دولتی صادر

گردد»، در ماده (۶۲۶)، قابل ایراد باشد.

قانونگذار باید یکی از دو راه را پیش بگیرد: یا

به طور کلی عبارت مذکور را حذف کند و

استنباط احکام و تشخیص موارد آن را به عهده

محاکم قرار دهد یا خال که خواسته است به آن

تصریح کند، موارد مختلف آن را هم بیان کند

و لااقل به عبارت مذکور، این قید را اضافه کند

که: «مگر اینکه ارتکاب جرم از طرف مأموران

مذکور، به حکم قانون یا به امر آمرقانونی، برای انجام دادن وظیفه آنان ضروری بوده باشد».

نکته قابل توجه دیگر در این ماده، استعمال عبارت «جایز خواهد بود»، است که بیش از آنکه مبین مفهوم عدم مسؤلیت مأمور و در نتیجه عدم مجازات باشد، به معنای مشروع بودن عمل او است و لذا بر عبارت مذکور در ماده (۶۲۵) «مرتکب مجازات نمی شود» مزیت دارد.

(۴-۲) - تجزیه و تحلیل ماده (۶۲۸) قانون مجازات اسلامی:

آنچه در خصوص عبارت «ولو اینکه از مأموران دولتی صادر گردد» مذکور در ماده (۶۲۶) گفتیم، به طور کلی در مورد این ماده هم صدق می کند؛ با این تفاوت که

در اینجا یعنی در مورد نیروهای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری قانونگذار طریقه معکوسی را پیش گرفته و در مقام ذکر استثنا بر ماده (۶۲۶)، اصل را عدم مشروعیت مقاومت در برابر این دسته از مأموران دولت دانسته و استثنای آن را مشروط به دو شرط زیر کرده است:

- ۱ - خروج از حدود وظیفه،
 - ۲ - اینکه بر حسب ادله و قرائن موجود، خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا مال گردد.
- وضع این ماده نیز غیر ضروری به نظر می رسد؛ زیرا از حیث اجرای اعمال و اقدامات موافق و مخالف قانون، هیچ فرقی بین مأموران دولتی وجود ندارد و مقاومت در برابر هر مأمور دولتی، اگر از حدود وظیفه خارج نشده باشد و مخصوصاً اگر بیم تجاوز به نفس یا عرض یا مال نرود، مشروع نیست. تصریح به این مطلب، به خصوص با توجه به حکم کلی ماده (۶۲۶)، ممکن است این شبهه را ایجاد کند که دفاع در برابر سایر مأموران دولتی، حتی اگر از حدود وظیفه خارج نشده باشند و بیم تجاوز هم نرود، مجاز است که بی تردید

چنین استنتاج نادرستی نه از لحاظ اصول حقوقی، صحیح شمرده می شود نه مورد نظر قانونگذار است و همان طور که قبلاً بیان شد ماده (۶۲۶) ناظر به حالتی است که مأموران از حدود وظیفه خود خارج شده باشند و اعمال آنان جرم بر نفس یا عرض یا مال محسوب شود. بر طبق ماده (۶۲۷)، یکی از شرایط مشروعیت دفاع - چه در برابر اشخاص عادی و چه در برابر مأموران دولت - این است که خوف برای نفس یا عرض یا مال، مستند به قرائن معقول باشد. بنابراین با توجه به ماده (۶۲۶ و ۶۲۷)، به طور کلی مشروعیت مقاومت در برابر مأموران دولتی - چه نیروهای

هیچ فرقی بین مأموران دولتی وجود ندارد و مقاومت در برابر هر مأمور دولتی، اگر از حدود وظیفه خارج نشده باشد و مخصوصاً اگر بیم تجاوز به نفس یا عرض یا مال نرود، مشروع نیست.

انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری و چه غیر آنان - مشروط به: «خروج از حدود وظیفه، و این که بر حسب ادله و قرائن معقول خوف آن باشد که اعمال آنان، موجب تجاوز بر نفس یا عرض یا مال گردد»، شده است و لذا تصریح به این مطلب آن هم به شکلی خاص و فقط در مورد نیروهای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری، لزومی نداشت.

با وجود این، در صورت قبول لزوم تصریح به این مطلب و وضع حکم خاص در مورد نیروهای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری، باز هم حکم ماده (۶۲۸)، خالی از اشکال نیست؛ زیرا از تلفیق دو شرط لازم برای جواز مقاومت در برابر مأموران مذکور، این نتیجه به دست می آید که اگر نیروهای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری از حدود وظیفه خود خارج شوند و بر حسب ادله و قرائن موجود خوف آن

باشد که عملیات آنان موجب ضرب یا هر تجاوز دیگر غیر از قتل و جرح و تعرض به عرض یا مال گردد، باز هم مقاومت در برابر آنان نامشروع است؛ در حالی که چنین حکمی، صحیح و منطبق با موازین مسلم حقوقی و اصول عدالت اجتماعی نیست. به طور کلی وقتی یک مأمور، از جمله مأمور نیروی انتظامی یا هر یک از ضابطان دیگر دادگستری، از حدود وظیفه خود خارج شد، مقاومت در برابر هر جرمی که مرتکب شود، جایز است و تخصیص آن به موارد معین، منطقی به نظر نمی رسد و برعکس، هر مأموری که در حدود وظیفه خود، یعنی به حکم قانون و برای اجرای قانون اهم یا به امر آمرقانونی، مرتکب عمل ظاهر مجرمانه ای شود، چون عمل او به حق و

مشروع است، نه فقط مقاومت در برابرش نمی تواند عنوان دفاع مشروع داشته باشد، بلکه جرم ترمرد محسوب می شود. گذشته از مطلب فوق، وقتی قانونگذار مقاومت در برابر مأموران مذکور را برای جلوگیری از تعرض به مال هر چند ارزش آن اندک باشد جایز می داند، اطلاق عدم جواز مقاومت در برابر آنان برای جلوگیری از ضرب و سایر تجاوزها، غیر از قتل و جرح و تعرض به عرض یا مال، غیر منطقی به نظر می رسد.

به این ترتیب می توان گفت که عموم ماده (۶۲۶)، از نظر جواز مطلق مقاومت در برابر مأموران دولت، و خصوصاً ماده (۶۲۸) از باب عدم جواز مقاومت در برابر نیروهای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری، و استثنای این ماده از نظر موارد مشروعیت مقاومت در برابر مأموران مذکور، جملگی قابل انتقاد است و اساساً وضع این مقررات نه فقط مشکلی را حل نکرده، بلکه بحث جواز یا عدم جواز مقاومت در برابر اعمال خارج از حدود وظیفه و غیرقانونی مأموران دولت را به شکل نادرست و پیچیده درآورده است. (۲۳)

نکته دیگر این است که با توجه به نص

صریح ماده (۶۲۵) (... در مقام دفاع از نفس یا عرض یا مال خود مرتکب یا شخص دیگری واقع شود، با رعایت مواد ذیل مرتکب مجازات نمی شود...) و اطلاق ماده (۶۲۶ و ۶۲۸)، مقاومت در برابر هر مأمور دولت که خارج از حدود وظیفه و صلاحیت و اختیارات خود عمل می کند، برای دفاع از نفس یا عرض یا مال دیگری، در صورت جمع شرایط عمومی دفاع و شرایط اختصاصی که برای جواز مقاومت در برابر مأموران دولتی ضرورت دارد نیز جایز است؛ با این تفاوت که به موجب تبصره ماده (۶۲۵)، دفاع از مال غیر در صورتی مشروع است که حفاظت از مال غیر، به عهده دفاع کننده بوده یا صاحب مال استمداد کند.

نتیجه گیری:

وقتی مأمور دولتی، خارج از حدود و صلاحیت و اختیارات خود عمل می کند، اعمالش غیرقانونی است و لذا مقاومت در برابر او مصداق جرم ترمرد تلقی نمی شود؛ اما این طور هم نیست که لزوماً مشروع به حساب آید، بلکه بر حسب وجود یا عدم وجود شرایط لازم برای مشروعیت دفاع - اعم از شرایط عمومی دفاع و شرایط اختصاصی که برای جواز مقاومت در برابر مأموران دولت لازم است - ممکن است دفاع مشروع محسوب بشود یا نشود. اما در صورتی که دفاع مشروع به حساب نیاید، در برخی موارد می تواند مشمول عنوان مجرمانه دیگری غیر از ترمرد قرار گیرد.

به هر حال، بحث مقاومت در برابر اعمال خارج از حدود وظیفه و غیرقانونی مأموران دولت، مستقل از بحث دفاع مشروع نیست و لذا با توجه به آنچه بیان شد: به طور کلی به جای ماده های (۶۱، ۶۲، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷ و ۶۲۸) قانون مجازات اسلامی، می توان از ماده پیشنهادی زیر استفاده کرد:

« هر کس در مقام دفاع از نفس یا عرض یا مال یا هرگونه حق خود یا دیگری، در برابر هرگونه تجاوز خلاف قانون فعلی یا خطر قریب الوقوع ولو اینکه از سوی مأموران دولتی صادر گردد، مرتکب رفتاری شود که جرم

شمرده می شود، در صورت اجتماع شرایط زیر، مجرم محسوب نمی شود:

- ۱ - خوف، مستند به قرائن معقول باشد.
 - ۲ - توسل به قوای دولتی یا هرگونه وسیله آسانتر برای نجات، میسر نباشد.
 - ۳ - دفاع، متناسب با تجاوز یا حمله باشد.
- تبصره ۱ - مقررات این ماده در مورد دفاع از مال غیر در صورتی قابل اجراست که حفاظت مال غیر به عهده دفاع کننده بوده یا صاحب مال، استمداد کند.

تبصره ۲ - در مورد مأموران دولتی شرط مشروع بودن دفاع آن است که مأمور از حدود وظیفه خارج شود.

هر چند اعمال خارج از حدود وظیفه و غیرقانونی مأموران دولت، مصداق عبارت «هرگونه تجاوز خلاف قانون» مندرج در ماده فوق قرار می گیرد که مقاومت در برابر آنها جایز است، لکن پیش بینی تبصره " ۲ " به لحاظ رفع ابهام از مسأله مناسب است. در این صورت اعمالی که مأموران دولت در حدود وظایف محول انجام می دهند و همچنین ارتکاب جرایمی که به حکم قانون یا به امر آمر قانونی برای انجام دادن وظیفه آنان ضروری است (موضوع مواد ۵۶ و ۵۷ قانون مجازات اسلامی) مصداق عبارت مذکور قرار نمی گیرد و مقاومت در برابر آنها نه فقط جایز نیست، بلکه ترمرد محسوب می شود.

پی نوشتها:

- ۱ - حسینی بهشتی، سید محمد؛ حکومت در اسلام، با مقدمه و حواشی علی حجتی کرمانی، ج اول، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۶۷، صص ۴۴ - ۴۶.
- ۲ - ابوالحمد، عبدالحمید؛ حقوق اداری ایران، انتشارات توس، ۱۳۷۰، ص ۱۴.
- ۳ - ابوالحمد، عبدالحمید؛ حقوق اداری استخدام کشوری و مسؤلیت مدنی دولت در ایران، جلد دوم، تهران؛ دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، صص ۲۳ - ۲۷.
- ۴ - شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش؛ نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری، روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۲، ج ۱، صص ۸ - ۶۷ و ۷ - ۵۷۶ و ۴ - ۵۸۳.
- ۵ - شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش؛ نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری، روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۳، ج ۱، صص ۸ - ۶۷ و ۷ - ۵۷۶ و ۴ - ۵۸۳.

۶ - شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش؛ نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری، روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۳، ج ۱، صص ۸ - ۶۷ و ۷ - ۵۷۶ و ۴ - ۵۸۳.

۷ - طباطبایی مومنی، منوچهر؛ حقوق اداری، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۵۱.

۸ - شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش؛ نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری، روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۳، ج ۱، صص ۸ - ۶۷ و ۷ - ۵۷۶ و ۴ - ۵۸۳.

۹ - معین، محمد؛ فرهنگ فارسی (دوره ۶ جلدی)، ج دوازدهم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷.

۱۰ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق، ج ششم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۲، صص ۷۵۰ - ۷۵۱.

۱۱ - نجیب حسینی، محمود؛ شرح قانون العقوبات اللبنانی، القسم العام، دارالنهضة العربیه، بیروت، ۱۹۸۴، م، صص ۲۱۹ - ۲۱۷.

۱۲ - عبدالملک، جندی؛ الموسوعة الجنائیه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا، ج ۱، ص ۵۳۲.

۱۳ - عبدالملک، جندی؛ الموسوعة الجنائیه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا، ج ۱، ص ۵۳۲.

۱۴ - یاد، ابراهیم؛ دفاع مشروع در مقابل مأموران دولتی، نامه شهرستانی، ش ۹، سال شانزدهم، ۱۳۳۰ - ۱۳۳۱، صص ۸ - ۹.

۱۵ - باقری، عباس؛ رساله درباره دفاع مشروع، تهران؛ چاپ بهمن، ۱۳۴۳، صص ۴۵، ۴۹، ۴۴، ۵۰، ۴۸ و ۲۱۱ - ۲۱۷.

۱۶ - ستوده، ترمرد و مقاومت در مقابل اعمال خلاف وظیفه مأموران در قوانین ایران و فرانسه، مجله حقوق وزارت دادگستری، ش ۴، بهمن ۱۳۴۲، صص ۷۳ - ۷۴.

۱۷ - یاد، ابراهیم؛ دفاع مشروع در مقابل مأموران دولتی، نامه شهرستانی، ش ۹، سال شانزدهم، ۱۳۳۰ - ۱۳۳۱، صص ۸ - ۹.

۱۸ - باقری، عباس؛ رساله درباره دفاع مشروع، تهران، چاپ بهمن، ۱۳۴۳، صص ۴۵، ۴۹، ۴۴، ۵۰، ۴۸ و ۲۱۱ - ۲۱۷.

۱۹ - ستوده، ترمرد و مقاومت در مقابل اعمال خلاف وظیفه مأموران در قوانین ایران و فرانسه، مجله حقوق وزارت دادگستری، ش ۴، بهمن ۱۳۴۲، صص ۷۳ - ۷۴.

۲۰ - یاد، ابراهیم؛ دفاع مشروع در مقابل مأموران دولتی، نامه شهرستانی، ش ۹، سال شانزدهم، ۱۳۳۰ - ۱۳۳۱، صص ۸ - ۹.

۲۱ - امین پور، محمد تقی؛ قانون کیفر همگانی و آرای دیوان عالی کشور، شرکت سهامی چاپ، ۱۳۳۰، ص ۸۷.

۲۲ - متین، احمد؛ مجموعه رويه قضائی، چاپ آفتاب، فروردین ۱۳۴۰.

۲۳ - باقری، عباس؛ رساله درباره دفاع مشروع، تهران؛ چاپ بهمن، ۱۳۴۳، صص ۴۵، ۴۹، ۴۴، ۵۰، ۴۸ و ۲۱۱ - ۲۱۷.